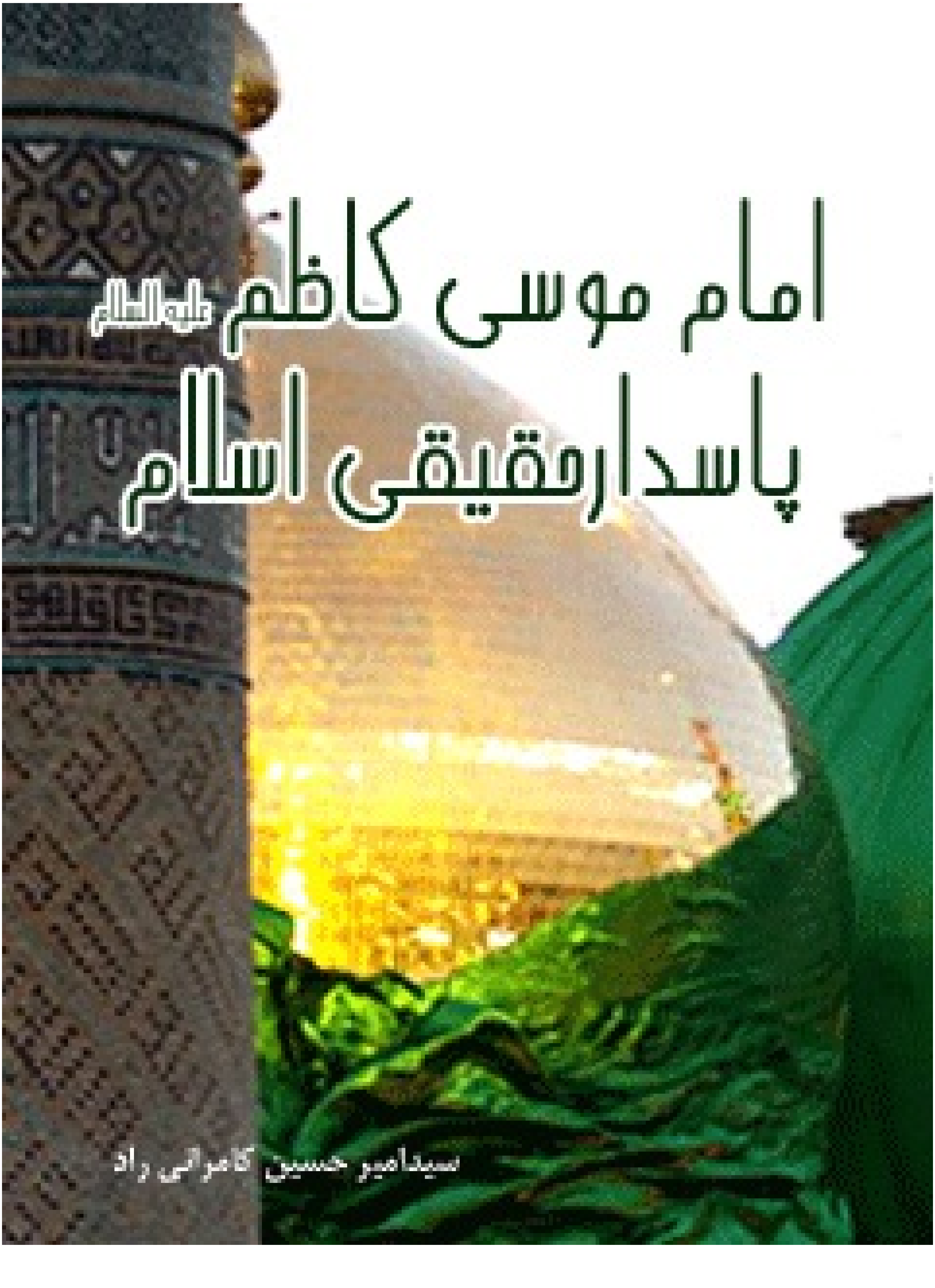

امام موسی کاظم علیه السلام
پاسدارحقیقی اسلام
سیدامیر حسین کامرانی راد

بسم الله الرحمن الرحیم

امام موسی کاظم علیه السلام ؛ پاسدار حقیقی اسلام

نویسنده:

امیر حسین سید کامرانی راد

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

امام موسی کاظم علیه السلام ؛ پاسدار حقیقی اسلام

مشخصات کتاب

مؤلف: سید امیرحسین کامرانی راد

مقدمه

این امام بزرگوار، اسلام راستینی را که به واسطه تعالیم و مجاهدتهای پدر وی جعفر بن محمد نظم و استحکام یافته بود، حفظ و تقویت و با وجود موانع بسیار در راستای انجام وظایف الهی، با نثار جان خویش پایداری و فداکاری کرد. ابوالحسن موسی بن جعفر امام هفتم از ائمه اثنی عشر و نهمین معصوم از چهارده معصوم است، وی در ابواء (محلی میان مکه و مدینه) در روز یکشنبه هفتم صفر سال ۱۲۸ یا ۱۲۹ ق متولد شد. به جهت کثرت زهد و عبادت معروف به «العبد الصالح» و به جهت علم و فرو خوردن خشم و صبر بر مشقات و آلام زمانه به «کاظم» مشهور شد. آن حضرت به کنیه های ابوابراهیم و ابوعلی نیز معروف بوده است. مادر آن حضرت حمیده کنیزی از اهل مغرب یا اندلس (اسپانیا) بوده است و نام پدر حمیده را صاعد مغربی (بربری) گفته اند. برادران دیگر امام از این بانو اسحاق و محمد دیباج بوده اند. امام موسی الکاظم هنوز کودک بود که فقهای مشهور مثل ابوحنیفه از او مسئله می پرسیدند و کسب علم می کردند بعد از رحلت پدر بزرگوارش امام صادق (علیه السلام) (۱۴۸ قمری) در بیست سالگی به امامت رسید و ۳۵ سال رهبری و ولایت شیعیان را برعهده داشت.

شخصیت اخلاقی امام

او در علم و تواضع و مکارم اخلاق و کثرت صدقات و سخاوت و بخشندگی ضرب المثل بود. بداندیشان را با عفو و احسان بی کران خویش تربیت می فرمود. شبها به طور ناشناس در کوچه های مدینه می گشت و به مستمندان کمک می کرد. مبلغ دویست، سیصد و چهارصد دینار در کیسه ها می گذاشت و در مدینه میان نیازمندان قسمت می کرد. صرار (کیسه ها) موسی بن جعفر در مدینه معروف بود. و اگر به کسی صره ای می رسید بی نیاز می گشت، معذلک در اطاقی که نماز می خواند جز بوریا و مصحف و شمشیر چیزی نبود.

برخورد حاکمان سیاسی معاصر با امام

مهدی خلیفه عباسی امام را در بغداد بازداشت کرد اما بر اثر خوابی که دید و نیز تحت تأثیر شخصیت امام از او عذرخواهی کرد و وی را به مدینه بازگرداند، می گویند که مهدی از امام تعهد گرفت که بر او و فرزندانش قیام نکند. این روایت نشان می دهد که امام کاظم قیام را در آن زمان صلاح و شایسته نمی دانسته است و با آنکه از جهت کثرت عبادت و زهد به «العبد الصالح» معروف بوده است، به قدری در نظر مردم مقامی والا و ارجمند داشته که او را شایسته مقام خلافت و امامت ظاهری نیز می دانستند و همین امر موجب تشویش و اضطراب دستگاه خلافت شده و مهدی به حبس او فرمان داده است. زمخشری در «ربیع الابرار» آورده است که هارون فرزند مهدی در یکی از ملاقاتها به امام پیشنهاد کرد فدك را تحویل بگیرد و حضرت نپذیرفت وقتی اصرار زیاد کرد، فرمود می پذیرم به شرط آنکه تمام آن ملك را با حدودی که تعیین می کنم به من واگذاری، هارون گفت حدود آن چیست؟ امام فرمود یك حد آن به عدن است حد دیگرش به سمرقند و حد سومش به افریقیه (آفریقا) و حد چهارمش کناره دریای خزر است.

هارون از شـنیدن این سخن سخت برآشفت و گفت: پس برای ما چه چیز باقی می ماند؟ امام فرمود: می دانستم اگر حدود فدک را تعیین کنم آن را به مـا مسترد نخواهی کرد (یعنی خلافت و اداره سراسـر کشور اسـلام حق من است)، از آن روز هارون کمر به قتل موسـی بن جعفر بست. در سـفر هارون به مـدینه هنگام زیارت قبر رسول الله در حضور سـران قریش و رؤسای قبایل و علما و قضات بلاـد اسـلام گفت: السـلام علیـک یـا رسول الله، السـلام علیك یا بن عم. و این را از روی فخر فروشـی به دیگران گفت. امام کاظم حاضـر بود و فرمودند: السلام علیك یا رسول الله، السلام علیك یا ابت (یعنی سلام بر تو ای پدر من)، می گویند هارون دگرگون و خشم از چهره اش نمودار شد.

زندانی کردن امام و چگونگی شهادت

درباره حبس امام موسـی به دست هارون الرشـید شـیخ مفیـد در ارشاد روایت می کند که علت گرفتاری و زندانی شدن امام، یحیی بن خالـد بن برمک بوده است، زیرا هارون فرزنـد خود، امین را به یکی از مقربان خود به امام جعفر بن محمـد ابن اشـعث که مدتی هم والی خراسـان بوده است سپرده بود و یحیی بن خالـد بیم آن داشت که اگر خلاـفت به امین برسـد جعفر بن محمـد را همه کاره دسـتگاه خلافت سازد و یحیی و برمکیان از مقام خود بیفتند. جعفر بن محمد بن اشعث شیعه بود و قائل به امامت موسی و یحیی این معنی را به هارون اعلام می داشت. سـرانجام یحیی پسر برادر امام را به نام علی بن اسماعیل بن جعفر از مدینه خواست تا به وسیله او از امام و جعفر نزد هارون بـدگویی کنـد. گویند امام هنگام حرکت علی بن اسـماعیل از مدینه او را احضار کرد و از او خواست که از این سـفر منصـرف شـود. و اگر ناچـار می خواهـد برود از او سـعایت نکنـد. علی قبول نکرد و نزد یحیی رفت و به وسـیله او پیش هارون رفت و گفت از شـرق و غرب ممالك اسلامی مال به او می دهند تا آنجا که ملکی را توانست به هزار دینار بخرد. هارون در آن سال به حج رفت و در مدینه امام و جمعی از اشـراف به اسـتقبال او رفتند. اما هارون در قبر حضـرت رسول (ص) گفت یا رسول الله از تو پوزش می خواهم که موسـی بن جعفر را به زنـدان افکنم زیرا او می خواهـد امت تو را برهم زند و خونشان را بریزد. آنگاه دسـتور داد تا امام را از مسـجد بیرون و او را پوشیده به بصره نزد والی آن عیسی بن جعفر بن منصور بردند. عیسی پس از مدتی نامه ای به هارون نوشت و گفت که موسـی بن جعفر در زندان جز عبادت و نماز کاری ندارد یا کسـی بفرست که او را تحویل بگیرد یا من او را آزاد خواهم کرد. هـارون امـام را به بغـداد آورد و به فضـل بن ربیع سـپرد و پس از مـدتی از او خواست که امـام را آزاری برسانـد اما فضل نپذیرفت و هارون او را به فضل بن یحیی بن خالد برمکی سپرد. چون امام در خانه فضل نیز به نماز و روزه و قرائت قرآن اشـتغال داشت فضل بر او تنگ نگرفت و هارون از شنیدن این خبر در خشم شد و آخر الامر یحیی امام را به سندی بن شاهک سپرد و سـندی آن حضـرت را در زندان مسـموم کرد و چون آن حضـرت از سم وفات یافت، سـندی جسد آن حضـرت را به فقها و اعیان بغداد نشان داد که ببیند در بدن او اثر زخم یا خفگی نیست. بعد او را در باب التبن در موضعی به نام مقابر قریش دفن کردند. مدفن این امام بزرگوار کاظمین است.

سخنان امام کاظم در زندان

تعـدادی از کتابهای حدیث به اسم «مسـند» شـناخته می‌شود، معمولاً مسـند به کتابی گفته می‌شود که احادیث آن با سـند پیوسـته به رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) برسد. بنابراین وقتی گفته می‌شود «مسند امام موسی بن جعفر علیه‌السلام» مقصود کتابی‌است که احادیث آن را امام هفتم علیه‌السـلام با سـند و به توسط آباء و اجـداد شان از رسول خدا (صـلی الله علیه و آله و سـلم) نقل کرده باشـد. مسـند امام موسـی بن جعفر علیه‌السـلام مجموعه ۵۹ حـدیث است که در سالهـای ۱۸۰ تا ۱۸۲ که امام در زنـدان سـندی بن شاهـک محبوس بودنـد، ابوعمران موسـی بن ابراهیم مروزی به دیـدار امـام رفته و امـام این احـادیث را برای او بیان کرده است. این

احادیث از جهات گوناگون دارای اهمیت فراوان است. زیرا اولاً ـ در زندان بیان‌شده‌اند، ثانیاً تمام احادیث آن مستند به پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) است مگر این دوازده حدیث ۱۶، ۲۱، ۲۲،۲۳،۲۹، ۳۲،۳۷، ۳۸،۳۹، ۴۲،۴۳،۵۷ و ثالثاً محتوی و مضمون بلند آنها مخصوصاً در موضوعات اخلاقی سبب شده است که برای عموم‌مفید باشد. گرچه در کتابهای رجالی از مذهب راوی این احادیث بحثی نشده است ولی از خود این احادیث و با توجه به مسند بودن آنها می‌توان مذهب راوی را کشف نمود و بخواست‌خداوند در شرح این احادیث از آن بحث‌خواهم نمود. سند کتاب این کتاب را شیخ ابوالمکارم مبارک بن محمد بن معمر بادرایی از ابوبکر احمد بن علی بن حسن طرثیثی از ابوعبدالله حسین بن شجاع صوفی موصلی از ابوبکر محمد بن عبدالله بن ابراهیم شافعی از ابوعبدالله محمد بن خلف بن ابراهیم بن عبدالسلام مروزی و او از ابوعمران موسی بن ابراهیم مروزی و او از امام هفتم(علیه السلام) نقل کرده است. این کتاب با کوشش آقای محمد حسین حسینی جلالی مکرراً در ایران و بیروت چاپ شده است.

احادیث

موسی بن ابراهیم مروزی گوید: موسی بن جعفر(علیه السلام) به من خبر داد، از پدرش جعفر بن محمد، از پدرش محمد بن علی،از پدرش علی بن الحسین، از پدرش حسین بن علی، از پدرش علی بن ابیطالب(علیهم‌السلام) که فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) حدیث گفت مرا: «کسی به سن بلوغ نرسید مگر آنکه مرتکب خطایی شده‌است مگر عیسی بن مریم و مادرش مریم، و یحیی فرزند زکریا درود خدا بر آنان». رسول خدا صلی‌الله علیه و آله فرمودند: «کسی که صبح کند و چیزی غیر از خداوند بزرگترین همت او باشد از خدا نباشد». رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «کسی که حدیثی را از من نقل کند در حالیکه می‌داند آن دروغ است او یکی از دروغگویان است». متاسفانه حدیث چهارم از اصل کتاب ساقط شده است. رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) نهی کرد از آنکه مردی بین پدری و فرزندش بنشیند. رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «بر هر مسلمانی روز جمعه سه چیز لازم است: غسل، مسواک، بوی خوش». رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از صدای آرام انسان خوشش می‌آمد، و از کسی که فریاد بلند دارد بدش می‌آمد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از فحش دادن به روزها و ساعتها و باد و خورشید و ماه وستارگان نهی نمود. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «عجب عمل هفتاد سال را از بین می‌برد». رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «هر کس به رزق اندک از خدا راضی باشد خداوند به عمل‌اندک از او راضی باشد». رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «اگر دوست دارید نمازتان افزون گردد خوبانتان را مقدم بدارید». رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «قاضی عادل نخستین کسی است که به بهشت فرا خوانده می‌شود». آمدن رسول خدا با بوی خوش شناخته می‌شد. رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «اطاعت کسی در نافرمانی خدای عزوجل جایز نیست». رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «هر کس خود را فرزند غیر پدرش بداند روز قیامت با مشرکان محشور می‌گردد.» علی(علیه السلام) فرمودند: «توانگری یاور خوبی بر اطاعت خدا است». رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «هر گاه خدا بنده‌ای را دوست بدارد گرفتارش می‌کند تا تضرع او را بشنود». رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «هر کس ایمان به خدا و روز آخر دارد...»، متاسفانه بقیه این حدیث از بین رفته است. رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «هر کس بر سر راه مسلمانان آنان را اذیت کند لعنت ملائکه بر او واجب است». رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «هر گاه یکی از شما برادرش را دوست می‌دارد نام و کنیه و لقب و نام قبیله او را سؤال کند». علی(علیه السلام) فرمودند: «اشاره هنگام هلال ناپسند است». علی(علیه السلام) فرمودند: «کسی که بر نمازهای پنجگانه به جماعت محافظت کند جزء غافلان نوشته نشود». علی(علیه السلام) فرمودند: «کسی که نزد مردم توریه می‌کند به چیزی که خداوند خلاف آن را

می‌داند خدا نزد مردم خوارش خواهد کرد». رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «شیطان هر گونه تلاشی را علیه انسان انجام می‌دهد و وقتی بر او غلبه کرد در مال او عمل می‌کند و هرگز نمی‌گذارد چیزی را در اطاعت خدا انفاق کند». رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «کسی به شیطان نزدیک نشد مگر آنکه از خدا دور گردید.» رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «با زنان مشورت کنید و آنان را مخالفت کنید که درمخالفت آنان برکت است، و برای خنثی عقل نیست و برای متکبر درشت‌خو عقل نیست». [۱] . رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «خدای رحمت کند کسی که سخنی می‌گوید تا بهره‌ای از آن ببرد یا سکوت می‌کند تا سالم بماند». رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «خوبی کن به کسی که اهل آن است و کسی که اهل آن نیست،چون اگر او اهل نیکی نیست تو اهل آن می‌باشی». علی(علیه السلام) فرمودند: «مصافحه دوستی را نگه می‌دارد». رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «هر که بگوید: لا اله الا الله احداً صمداً لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد، خدا چهل هزار هزار حسنه برای او می‌نویسد». رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «هر گاه عرب عمامه خود را بیندازد عزت خود را انداخته است». علی(علیه السلام) فرمودند: «مردمی بیایند که به وسیله قرآن با شما مجادله کنند پس آنان را به سنت بگیرید، زیرا اصحاب سنت به کتاب خدا آشناترند». رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «هر کس به دین دوست خود است، پس هر کدام شما ببیند با چه کسی دوست می‌شود». حسن و حسین(علیهماالسلام) جایزه‌های معاویهٔ بن ابی سفیان را نمی‌پذیرفتند. رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «هر کس از شما می‌خواهد حجامت کند روز شنبه حجامت کند». رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «به هر کس اذن برای دعا داده شود درهای رحمت به رویش گشوده شود». علی(علیه السلام) فرمودند: «فال بد به کسی که توکل بر خدا کند آسیب نمی‌رساند». مردی را نزد علی آوردند که به خداوند توهین کرده بود، علی علیه‌السلام فرمودند: «او را بکشید، و هر کس پیامبران خدا را ناسزا گوید نیز او را بکشید». علی(علیه السلام) فرمودند: «پیامبری از پیامبران که به او عزیر گفته می‌شد گفت: پروردگارا، منزهی، شان تو چه بزرگ و چه شگفت است! ابتدای تو از چه بوده است؟ سپس (به عنوان پشیمانی از سؤال خود) عزیر مقداری خاک برداشته بر دهان خود ریخت. خداوند عزوجل به او وحی نمود: ای عزیر، دخالت در کار من نمودی، به عزت وجلال خود سوگند که نام تو را از دیوان انبیاء محو می‌کنم، پس تو همراه آنان ذکر نمی‌شوی». [۲] . رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «نپرداختن دستمزد کارگر از گناهان کبیره است». رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «هرگاه خداوند برای کسی خیر بخواهد او را در دین فقیه، و بینای به عیوب خویش می‌گرداند، و زاهد در دنیایش قرار می‌دهد». علی(علیه السلام) فرمودند: «از نشانه‌های نزدیکی قیامت جذام و شیوع بواسیر و مرگ ناگهانی است». از امیرالمؤمنین(علیه السلام) حکم مردن موش در چاه سؤال شد، فرمودند: «چهل دلو از آن کشیده می‌شود.» رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «هر کس درباره قدر صحبت کند روز قیامت آن را از او سؤال می‌کنند، و هر که صحبت نکند روز قیامت از او سؤال نشود». رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «هیچ پدری فرزندش را به بهتر از ادب نیک تعلیم نداده است». رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «گروهی روز قیامت دوست دارند که از ثریا سقوط می‌کردند اما امیر بر چیزی نمی‌شدند». رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «دعای سه گروه رد نمی‌شود: پیشوای عادل، روزه‌دار تا آنکه افطار کند، دعای مظلوم». رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «هر که بگوید من عالم هستم او جاهل است». رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «هر که بگوید من در جهنمم پس او در جهنم است». رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «بهترین اخلاق مومنان عفو است». رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «امام به هر کس حد بزند همان حد کفاره گناه اوست». رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «هر که برادر مسلمانش را عفو کند خدا او را عفو کند». رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «خدای متعال گوید: بهشت بر کسی که چشمانش را بگیرم واجب است». رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «بهترین زنان کسی است که هرگاه

چیزی به او داده شود شکر کند و هرگاه منع شود صبر کند». رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) محلل و کسی که برای او محلل انجام شود را لعنت کرده است. رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «هر گاه کسی از شما در حال نماز باشد و زنی او را بخواند پس باید او را اجابت کند». علی(علیه السلام) فرمودند: «روز جمعه یک دینار صدقه بده، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) این را پیش از جمعه از ما می‌خواست». رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «ایمان شناخت به قلب و اقرار به زبان و عمل به اندام است». رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «ایمان ندارد مگر آنکه ایمان به چهار چیز داشته باشد:شهادت دهد که خدایی غیر از الله نیست، او تنهاست و شریکی ندارد، و من رسول خدا هستم که مرا به حق مبعوث کرده، و ایمان به قدر داشته باشد چه خیر یا شر آن. و ایمان به مبعوث شدن پس از مرگ داشته باشد». [۳] .

امام کاظم و نشر معارف و احکام و آداب اسلام

اشاره

یکی از بهترین ابزار انتقال فرهنگ‌ها زبان است. خداوند هم در قرآن این امتیاز را در خلقت انسان مطرح نموده است: «خلق الانسان. علمه البیان»؛ (خدا انسان را آفرید؛ و به او بیان آموخت.) همه انبیا هم با زبانی برخاسته از ملت خودشان برانگیخته شده‌اند. قرآن می‌فرماید:«و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه لیبین لهم» - سوره ابراهیم، آیه ۴- (هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر به زبان قوم خودش تا برای آنان معارف و احکام را - به راحتی - بیان کند.) بنابراین ادیان الهی، مجموعه احکام و معارف بیان شده توسط انبیاء علیهم السلام هستند و عالی‌ترین میراث آنان سخنانشان است. در تاریخ درخشان اسلام نیز قرآن و دهها هزار روایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام والاترین میراث الهی است. بخش عظیمی از این دائرهٔ المعارف بزرگ روایات، یادگار امام موسی بن جعفر علیه السلام است که در زمینه‌های مختلف به صورت احادیث کوتاه و بلند به دست ما رسیده است. به گوشه‌ای از آنها اشاره می کنیم:

دلیل حرمت شراب در قرآن

علی بن یقطین روایت می کند که روزی مهدی خلیفه عباسی از امام کاظم علیه السلام پرسید:«آیا شراب در قرآن حرام شده است؟» امام فرمود:«بله، شراب در قرآن حرام شده است. خداوند در قرآن فرموده:«انما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها و ما بطن و الاثم»؛ (پروردگار فواحش ظاهری و مخفی و گناه را حرام نموده است.) در این آیه منظور از فواحش ظاهری، زنای علنی است. (در دوران جاهلیت بدکاره ها پرچم مخصوص بر سر در خانه خود داشتند.) و مراد از فواحش باطنی ازدواج پسران با نامادری خویش است. (در دوران جاهلیت، پسران پس از مرگ پدرانشان با نامادری خود ازدواج می کردند) و منظور از گناه، شراب است به دلیل آیه‌ی دیگری در قرآن که در آن شراب و قمار را گناه معرفی فرموده است:«و یسالونک عن الخمر و المیسر قل فیهما اثم کبیر» (از تو درباره شراب و...؟ می‌پرسند. بگو در آنها گناهی بزرگ نهفته.» مهدی عباسی به علی بن یقطین گفت: «به خدا قسم این فتوای هاشمی رسول خداست.» علی بن یقطین می گوید:«گفتم آری، الحمدلله که خدا علم به این موضوع را به شما خاندان عطا کرد.» مهدی با کنایه گفت:«راست گفتی ای شیعه» [۴] .

جلوس امام هفتم در عید نوروز

منصور دوانیقی به امام موسی کاظم علیه السلام پیام داد که: «عید نوروز در خانه بنشینید تا برای عید دیدنی به دیدارتان بیایند؛

هدایایی را که می‌آورند نیز تحویل بگیرید.» امام پاسخ داد:«من تمام روایات جدم، رسول خدا، را بررسی کردم و خبری از عید نوروز در آنها نیافتم. نوروز سنتی از فارس است که اسلام آن را محو نموده؛ و من به خدا پناه می‌برم که سنتی را که اسلام محوش کرده احیا نمایم.» منصور گفت:«این یک حرکت سیاسی است برای جذب دل لشگریان فارس و غیر عرب ما. شما را به خدا سوگند می‌دهم که همان‌طور که گفتم، عمل کنید.» امام نیز به اجبار منصور دوانیقی در خانه خود نشستند و پسران و بزرگان و امیران لشگر برای عرض تبریک آمدند و هر کدام در خور شأن خود هدیه‌هایی آوردند. خادمی در کنار امام مأمور بود آمار هدایا را ثبت کند. آخرین نفر پیرمردی بود که وقتی وارد شد، گفت:«ای پسر رسول خدا! من مردی ضعیف و فقیرم. توان تهیه هدیه را نداشتم؛ در عوض سه بیت شعر آورده‌ام که جدّم در مرثیه جدّ شما، حضرت امام حسین علیه السلام سروده است:
«تعجب می‌کنم از درخشش شمشیرهای صیقل خورده که بر فراز اندام غبار آلوده‌ات در حرکت بود. و از تیرهایی که پیکر نازنینت را در برابر دیدگان اهل بیت سوراخ سوراخ می‌کرد و آنها اشک‌ریزان، جدّشان رسول خدا را صدا می‌زدند. با این همه، آن شمشیرها و تیرها نتوانست حتی اندکی از جلالت و بزرگی جسمت را بکاهد، چه رسد به روح بلندت را!» امام فرمود:«هدیه تو را پذیرفتم. بنشین. خدا به تو خیر و برکت دهد.» سپس به خادمش فرمود:«برو پیش منصور و بگو با این هدایا می‌خواهی چه کنی؟» خادم رفت و از قول منصور چنین پیام آورد که «تمام آنها هدیه من است به شما. هر کاری که می‌خواهید بکنید.» امام نیز به آن پیرمرد فرمود:«تمامی اینها هدیه من است به تو.» [۵] .

نمونه ای از احادیث اخلاقی امام کاظم

احادیث اخلاقی امام کاظم علیه السلام فراوان است، که به چند مورد اشاره می شود: - همسایه خوب کسی نیست که فقط همسایه‌اش را نیازارد بلکه کسی است که آزار همسایه‌اش را تحمّل کند. - با برادرت به یک‌باره بزرگی و هیبت خود را کنار مگذار و اندکی از هیبت خود را نگهدار، چرا که از بین رفتن همه مهابتت، حیا را نابود خواهد کرد. -عاقل دروغ نمی گوید، اگر چه برخلاف میلش باشد. - خداوند فرد بخشنده‌ی خوش اخلاق را حمایت می‌کند. - روزی امام هفتم علیه السلام دو نفر را دید که به هم ناسزا می‌گویند. فرمود:«آن کس که شروع کرده ظالم‌تر است و گناه خودش و طرف مقابلش بر اوست.» - از شوخی بپرهیز که نور ایمانت را می‌برد و مردانگی‌ات سبک می‌نماید. - از ملالت و کسالت بپرهیز که تو را از آخرت محروم می‌سازد. [۶] .

نمونه ای از احادیث تربیتی امام کاظم

از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام احادیث فراوانی روایت شده است، به گوشه هائی از آن توجه کنید: - کفاره کارمندی و خدمت به سلطان ظالم، نیکی و احسان به برادران ایمانی است. - در موقعیتی که ظلم و ستم بر حق و عدل غلبه دارد و حکومت عادلانه الهی جاری نیست، نباید به حکومت شخص دیگری خوش گمان باشید؛ مگر آنکه به نیکی و عدالت او ایمان داشته باشید. - یاری ضعیفان از بهترین صدقات است. - هر کس در پی ریاست باشد به مهلکه می‌افتد، و هر کس خودبینی در دلش راه یابد، هلاک می‌گردد. - عقل هیچ‌کس کامل نمی‌شود مگر با داشتن این صفات: کفر و شر از او دور باشد، خیر و رشد از او تراوش نماید، اضافه‌ی اموالش را ببخشد، زیادی کلامش را برای خودش نگه دارد، بهره‌اش از دنیا تنها قوت اندکی باشد، در طول زندگی از علم سیر نشود، ذلت همراه خدا برایش بهتر از عزت با غیر خدا باشد، تواضع را بهتر از بزرگ بینی ببیند، کار خوب و کم دیگران را زیاد بیند و کار زیاد و خوب خود را اندک بشمرد، خود را بدترین فرد، و دیگران را بهتر از خود بداند. از احادیث بلند امام کاظم علیه السلام حدیثی است که هشام بن حکم روایت کرده است که بیش از صد سطر، و حاوی نکات معرفتی - تربیتی فراوان است. محور اساسی آن ارزش عقل است که به بخشی از این روایت مفصل اشاره می‌شود: «ای هشام! خداوند بر مردم دو حجت

قرار داده است: حجتی ظاهری و حجتی باطنی. حجت ظاهری همان پیامبران و رسولان و امامان هستند و حجت باطنی عقل است. هر کس سه چیز را بر سه چیز مسلط کند، گویی به نابودی عقلش کمر بسته است: کسی که با آرزوی بلند، نور اندیشه‌اش را تاریک سازد، شکوفه‌های حکمتش را با سخنان اضافی و بی‌مورد از بین ببرد و با شهوات نفسانی نور عبرت خود را خاموش نماید. چنین کسی گویی از هوای نفس خود برای نابودی عقلش کمک گرفته، و هر کس عقلش را نابود سازد دین و دنیایش را از دست داده است. نشانه عقل، صبر بر تنهایی است. پس هر کس عقل الهی داشته باشد، از اهل دنیا و مشتاقان به آن دوری می گزیند و به آنچه نزد خداوند است علاقمند می‌شود. خداوند نیز همراه تنهایی او و غنای فقر او و عزت‌بخش او خواهد بود.» [۷] .

پاورقی

[۱] البته منظور این نیست که اگر خانم‌ها نظرخوب و درستی دادند مخالفت کنید. بلکه به دلیل علاقه به همسر از وظایف الهی کوتاهی نکنید و قدرت نه گفتن به زن و همسر را داشته باشید.

[۲] از این حدیث استفاده می‌شود که تفکر در ذات خدا جایز نیست و تنها باید در اوصاف و افعال خدا بحث نمود.

[۳] همه احادیث این کتاب مثل سند اول از امام کاظم(علیه السلام) تا رسول خدا یا امیرالمؤمنین (علیهما السلام) سند متصل دارند، و این سند طلایی (سلسلهٔ الذهب) درهمه آنها تکرار شده است، و ما فقط به ترجمه متن احادیث اکتفا کردیم.

[۴] بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۴۹، ح ۲۴ از کافی.

[۵] بحار الانوار ج ۴۸، ص ۱۰۸، از مناقب.

[۶] تحف العقول.

[۷] اصول کافی ـ کتاب العقل باب ۱ ح ۱۲.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه

مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم مـا که به دسـتش رسـیده، به او سـهمی دهـد تا ارشاد و هـدایتش کنـد، خداونـد به او می‌فرمایـد: «ای بنـده بزرگوار شریـک کننـده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سـزاوارترم. فرشـتگان من! برای او در بهشت، به عـدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسـیر المنسوب إلی الإمام العسـکری علیه السـلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشـتن بینـوایی ضـعیف را دارد و تـو او را از دسـتش می‌رَهـانی، یـا مردی نـاصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضـعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سـپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسـند زیـد: امام حسـین علیه السـلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخوانـد و او اجابت کنـد، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».